

ارزیابی کارایی مدل هیدرولوژیکی IHACRES در مناطق مرطوب (مطالعه موردی حوضه ناورود، گیلان)

سیدهادی صادقی^۱، هدی قاسمیه^۱ و سیدجواد ساداتی نژاد^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۰۵)

چکیده

رواناب سطحی یکی از دلایل اصلی در فرسایش و کاهش حاصلخیزی خاک، رسوب گذاری در مخازن و کاهش کیفیت آب رودخانه است. بنابراین، پیش بینی دقیق پاسخ حوضه به رویدادهای بارش، بسیار مهم است. مدل های هیدرولوژیکی، نمایش ساده شده ای از سامانه واقعی آبخیز هستند، که به مطالعه درباره عملکرد حوضه در واکنش به ورودی های گوناگون و فهم بهتر فرآیندهای هیدرولوژی کمک می کنند. با توجه به تنوع مدل های بارش - رواناب، انتخاب یک مدل مناسب برای حوضه به منظور برنامه ریزی و مدیریت منابع آب حائز اهمیت است و در این راستا قابلیت ها و محدودیت های مدل ها می تواند در انتخاب آنها اثرگذار باشد. لذا در این پژوهش، کارایی مدل IHACRES در شبیه سازی روزانه رواناب حوضه ناورود با استفاده از معیارهای ارزیابی ناش - ساتکلیف و میانگین خطای کل (Bias) مورد بررسی قرار گرفت. در تحقیق حاضر از آمار بارش، دما و دبی با گام زمانی روزانه و با بهره گیری از داده های موجود در ایستگاه های خلیان و خرگگیل طی سال های آبی ۱۳۹۰-۱۳۸۵ استفاده شده است. به این ترتیب که ۳۶ ماه از مهر ۱۳۸۵ برای کالیبراسیون مدل و ۳۶ ماه از مهر ۱۳۸۸ تا شهریور ۱۳۹۱ برای آزمون مدل انتخاب شد. در نهایت نتایج نشان داد که میزان نمایه ناش ساتکلیف و میانگین خطای کل در دوره واسنجی به ترتیب ۰/۵۷ و ۸/۵۳ و در مرحله آزمون ۰/۴۸ و ۱۴/۹ است. بنابر نتایج حاصل، مدل مورد استفاده نشان داد دارای دقت قابل قبولی در شبیه سازی جریان حوضه مورد مطالعه است.

کلید واژه ها: مدل هیدرولوژیکی IHACRES، حوضه ناورود، جریان روزانه، مناطق مرطوب

۱. گروه مرتع و آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان

۲. گروه مهندسی اکو هیدرولوژی، دانشکده علوم و فنون نوین، دانشگاه تهران

*. مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: h.ghasemieh@kashanu.ac.ir

مقدمه

تحلیل سیستم‌های مربوط به چرخه آب در مدیریت حوزه آبخیز برای دستیابی به اهداف مدیریتی، جایگاه مهمی دارد و مدل‌سازی یک ابزار مهم و کارآمد برای تحلیل سیستم‌هاست که در فرآیند شبیه‌سازی بارش و رواناب نیز می‌توان از آن استفاده کرد. شبیه‌سازی فرآیند بارش- رواناب در حوزه آبخیز از نقطه نظر مسائل هیدرولوژیکی، مدیریت منابع آب، مهندسی رودخانه، سازه‌های کنترل سیل و ذخیره سیلاب اهمیت ویژه‌ای دارد. لذا درک و پیش‌بینی فرآیندهای تولید رواناب و انتقال آن به نقطه خروجی حوزه آبخیز، یکی از اساسی‌ترین مباحث علم هیدرولوژی محسوب می‌شود. به دلیل برهمکنش عوامل مختلف، رفتار سیکل هیدرولوژی آبخیز به فرآیند نسبتاً پیچیده‌ای تبدیل می‌شود، لذا برای ارزیابی آن، اغلب از مدل‌های هیدرولوژیکی استفاده می‌گردد. محدودیت‌های مختلف نظیر کافی نبودن ایستگاه‌های هیدرومتری در آبراهه‌های رتبه پایین و هزینه‌بر بودن جمع‌آوری اطلاعات مشاهده‌ای، استفاده از مدل‌های هیدرولوژیکی در برآورد سیل را ایجاب می‌نماید (۳). مدل‌ها را می‌توان به منظور بررسی و مدیریت منابع آب، برآورد جریان رودخانه، پیش‌بینی سیل و طراحی عملیات مهندسی به دو گروه مدل‌های یکپارچه و توزیعی طبقه‌بندی کرد (۷، ۸). در این بین مدل بارش- رواناب IHACRES به علت داده‌های اندک مورد استفاده بدون صرف زمان و هزینه زیاد برای تهیه داده‌ها، به آسانی می‌تواند در بسیاری از حوزه‌های آبخیز به کار برده شود (۱۲). این مدل تاکنون برای داده‌های با پایه زمانی ۶ دقیقه تا یک ماه و برای حوزه‌های آبخیز با مساحت‌های متنوع از ۴۹۰ مترمربع تا ۱۰۰۰۰ کیلومترمربع در انگلستان استفاده شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که پیش‌بینی جریان توسط مدل‌های یکپارچه در بسیاری از موارد بهتر از مدل‌های توزیعی بوده است (۱۷). در این بخش، بعضی از تحقیقات صورت گرفته با استفاده از مدل IHACRES در مناطق مختلف جهان به صورت مختصر توضیح داده می‌شود. سفتن و هوواریت (۱۶) پارامترهای واسنجی شده مدل IHACRES

را با ویژگی‌های ۶۰ حوزه آبخیز در انگلستان و ویلز مقایسه کردند و بهترین میزان ضریب تبیین میان پارامتر روندیابی و درصدی آبخیز را برابر $R^2 = 0/59$ و بین پارامتر تبخیر و تعرق و میانگین بارندگی سالانه، برابر با $R^2 = 0/69$ به دست آوردند. دای و کروک (۱۰) به منظور ارزیابی پیش‌بینی جریان در دو حوزه آبخیز آفریقای جنوبی از مدل IHACRES استفاده نمودند و به این نتیجه رسیدند که جریان پیش‌بینی شده در حوضه لامبرچاس در دو دوره مختلف، در دوره قبل از جنگل‌کاری دارای $R^2 = 0/81$ و $BIAS = 25/8 (MM/YR)$ و در دوره بعد از جنگل‌کاری دارای $R^2 = 0/81$ و $BIAS = 8/4 (MM/YR)$ بوده که نشان‌دهنده دقت قابل قبول است. لیتلوود و همکاران (۱۳) با استفاده از پیش‌بینی بارش، جریان روزانه رودخانه را برای دو حوضه در کشور برزیل شبیه‌سازی کردند و به این نتیجه رسیدند که برحسب دو مدل آماری به کار رفته برای این دو حوضه با رژیم جریان متفاوت، مدل ساده‌تر که مبتنی بر هیدروگراف واحد بوده و برای واسنجی تنها نیاز به داده‌های بارش، جریان و درجه حرارت دارد، تقریباً به خوبی مدل‌های پیچیده‌تر که به اطلاعاتی مانند تصاویر ماهواره‌ای، نقشه‌های رقومی ارتفاع، کاربری اراضی و خاک نیاز دارند، عمل می‌کند. کارلا کارکانو و همکاران (۹) طی تحقیقی به منظور مدل‌سازی جریان روزانه در مناطق شمالی ایتالیا، دو مدل IHACRES و شبکه عصبی مصنوعی را مورد استفاده قرار دادند. سرانجام نتایج به دست آمده نشان داد که در صورت دسترسی داده‌های ورودی مناسب، عملکرد مدل‌های ساده مانند مدل IHACRES نسبت به یک مدل پیچیده، بهتر است. مکینتایر و القریشی (۱۴) با هدف محاسبه دبی اوج و حجم جریان خروجی از حوضه وادی آهین در کشور عمان با مساحت ۷۳۴ کیلومتر مربع، از سه مدل IHACRES، KINEROS2 و رگرسیون استفاده نمودند و در نهایت، برتری نتایج مدل IHACRES نسبت به دو مدل دیگر را تأیید نمودند. ابوشندی و مرکل (۶) با استفاده از مدل‌های

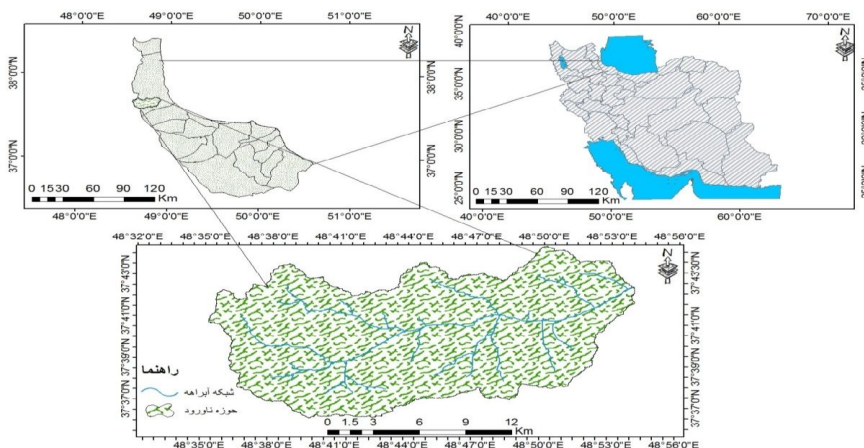
اختلاف بسیار کمی نسبت به مدل HBV شبیه‌سازی کند. اهمیت بروز سیلاب‌های متعدد در آبخیزهای کوهستانی و پربارش جنگلی شمال کشور، کمبود داده‌های ساعتی و نیز برنامه‌ریزی پروژه‌های عمرانی و گردشگری از مواردی است که ضرورت انجام این پژوهش را در گام زمانی پرکاربرد و دارای آمار "روزانه" توجیه می‌نماید.

مواد و روش‌ها

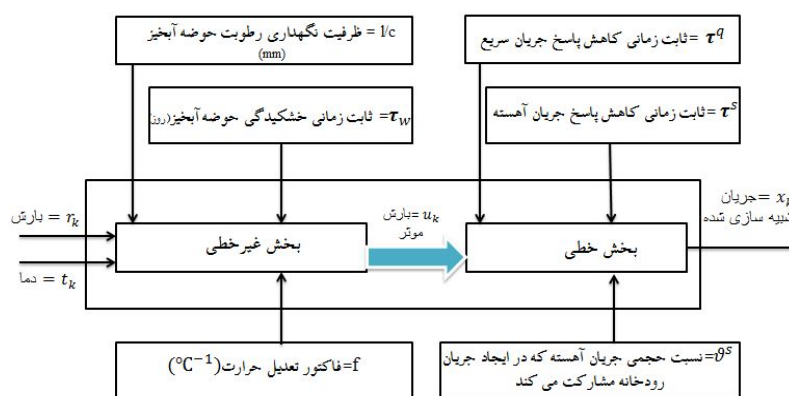
حوزه آبخیز ناورود اسالم با مساحت ۲۶۶ کیلومترمربع، در دامنه‌های شرقی سلسله جبال البرز (رشته‌کوه‌های تالش)، بین طول‌های جغرافیایی $35^{\circ}48'$ تا $54^{\circ}48'$ شرقی و عرض‌های جغرافیایی $36^{\circ}37'$ تا $45^{\circ}37'$ شمالی، در غرب استان گیلان و در شهرستان تالش واقع شده است. این حوضه از سمت شمال به حوزه آبخیز گرگانرود، از جنوب به حوزه آبخیز خاله‌سرا و دیناچال، از غرب به حوزه آبخیز آریاچای و از شرق به دریای خزر متصل گردیده است. حوضه ناورود، شکل مستطیلی دارد و رودخانه اصلی آن در وسط حوضه به موازات طول آن جریان دارد. محیط حوضه، ۸۴ کیلومتر و حداکثر ارتفاع آن از سطح دریا، برابر با ۲۹۷۳ متر است که از ۲۰۰۰ متری فاقد جنگل بوده و برف‌گیر است. رژیم رودخانه، برفی-بارانی است و دارای دو دوره پرآبی با طول مدت و شدت کم و بیش مساوی است. رودخانه‌های کوچکی نیز در شمال این رودخانه جریان دارند و به دلتای آن ملحق می‌شوند (شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان، ۱۳۹۱). در شکل ۱، موقعیت حوضه ناورود در شهرستان تالش، استان گیلان و ایران قابل مشاهده است.

به منظور مدل‌سازی بارش-رواناب در حوزه آبخیز ناورود، از آمار و اطلاعات دبی ایستگاه هیدرومتری خرچگیل که در خروجی حوضه در مختصات جغرافیایی طول شرقی و $42^{\circ}37'$ عرض شمالی قرار گرفته و بارش و دما ایستگاه سینوپتیک خلیان که در مختصات

HEC-HMS و IHACRES، یک واقعه بارندگی را در یک ناحیه خشک از اردن شبیه‌سازی کردند. سرانجام نتایج تحقیق حاکی از این بود که هر دو مدل، به‌خوبی قادر به محاسبه حجم جریان در یک واقعه بارندگی در این ناحیه خشک منطقه هستند. سادات آشفته و مسباح بوانی (۲) در بررسی تغییر اقلیم بر دبی‌های حداکثر در آذربایجان شرقی، از مدل IHACRES در بخش شبیه‌سازی استفاده نمودند و نتایج مدل را برای دوره‌های واسنجی و اعتبارسنجی، به ترتیب با مقادیر ضریب همبستگی ۷۹ و ۷۰ درصد قابل قبول ارزیابی نمودند. خیرفام و همکاران (۱) به تخمین دبی روزانه با استفاده از مدل IHACRES در برخی از حوزه‌های آبخیز استان گلستان پرداختند. در نهایت نتایج شبیه‌سازی نشان داد که در اکثر ایستگاه‌ها و در هر دو دوره واسنجی و اعتبارسنجی، مقادیر برآوردی مدل خصوصاً در مقادیر دبی اوج کمتر از مقادیر مشاهداتی است. در مجموع نتایج مدل در تعدادی از زیرحوضه‌های مورد مطالعه با ضریب تعیین و کارایی حداکثر به ترتیب ۰/۶۷ و ۰/۷۰ ($P < 0/05$) نسبتاً قابل قبول ارزیابی گردید. گودرزی و همکاران (۴) با مقایسه عملکرد سه مدل هیدرولوژی SWAT، IHACRES و SIMHYD در شبیه‌سازی بارش-رواناب حوضه قرسو به این نتیجه رسیدند که به ترتیب، مدل SWAT با ضریب نش ۰/۸ و SIMHYD با ضریب نش ۰/۶۸، بیشترین کمترین کارایی را در شبیه‌سازی بارش-رواناب در این حوضه دارند و مدل IHACRES، شبیه‌سازی متوسط و نزدیک‌تری به مدل SWAT نشان داد. یعقوبی و مساح‌بوانی (۵) به تحلیل حساسیت و مقایسه عملکرد سه مدل مفهومی HBV، IHACRES و HEC-HMS در شبیه‌سازی بارش-رواناب پیوسته در حوضه‌های نیمه خشک پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که مدل HBV قادر است جریان را بهتر از دو مدل دیگر پیش‌بینی کند. همچنین مدل HEC-HMS، کمترین کارایی را برای پیش‌بینی جریان از خود نشان داد، ولی مدل IHACRES توانست جریان را با



شکل ۱. موقعیت حوزه آبخیز ناورد اسالم در شهرستان تالش و استان گیلان



شکل ۲. مدل مفهومی شبیه سازی بارش - رواناب با مدول های خطی و غیرخطی مدل IHACRES

ابتدا، بارندگی r_k و دما t_k در هر گام زمانی K توسط مدول غیرخطی، به بارندگی مؤثر U_k تبدیل می شود و سپس به وسیله مدول خطی هیدروگراف واحد، به رواناب سطحی در همان گام زمانی تبدیل می شود (شکل ۲).

الف. مدول غیرخطی کاهش

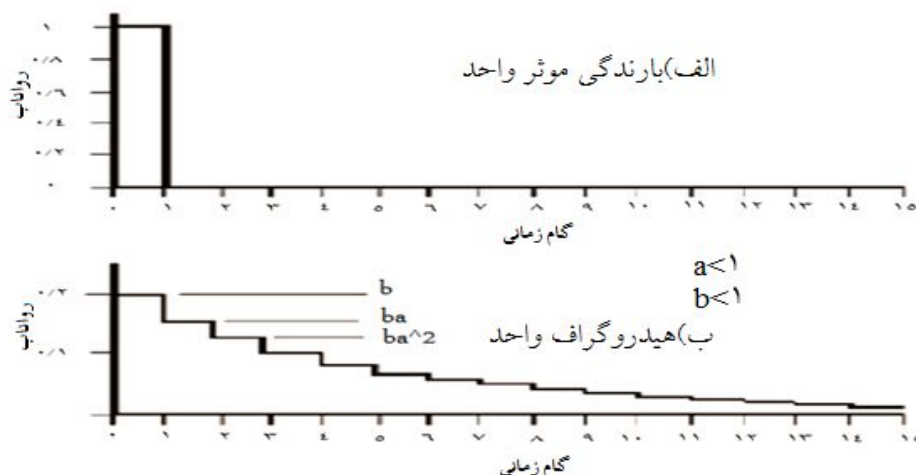
به منظور تبدیل بارش به بارندگی مؤثر در حوضه، از ضریب رطوبتی حوضه که با S_k ($0 < S_k < 1$) نشان داده می شود، استفاده می گردد. هر چه حوضه قبل از بارندگی، مرطوب تر باشد، مقدار تبدیل بارندگی به بارش مؤثر براساس رابطه (۱) بیشتر خواهد بود.

$$U_k = S_k * R_k \quad [1]$$

جغرافیایی $43^{\circ} 48'$ طول شرقی و $40^{\circ} 37'$ عرض شمالی در مرکز ثقل حوضه قرار دارد استفاده شد. بدین منظور در این تحقیق برای سری های روزانه، آمار سال های آبی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ (به مدت ۶ سال) مورد استفاده قرار گرفت.

ساختار مدل

مدل بارش- رواناب IHACRES، یک مدل پارامتری مؤثر و کارآمد است که در اکثر مناطق آب و هوایی مختلف از جمله مناطق خشک و نیمه خشک کاربرد دارد. اساس روش مذکور، از دو مدول غیرخطی کاهش و مدول خطی هیدروگراف تشکیل می شود. در این مدل، آمار متغیرهای ورودی به صورت روزانه، ساعتی و یا دقیقه است که در این تحقیق، آمار روزانه در نظر گرفته شده است. به این منظور در



شکل ۳. هیدروگراف حاصل از بارندگی مؤثر واحد

قبلی صفر است و همچنین بارندگی مؤثر در گام‌های بعدی نیز صفر باشد، می‌توان در گام‌های بعدی، میزان رواناب را به صورت نسبت a ($a < 1$) از مقدار آن در مرحله قبل در نظر گرفت. لذا رواناب حاصل به صورت نمایی با نرخ a در هر گام زمانی کاهش می‌یابد (شکل ۳-ب).

بر اساس شکل قسمت ۳-ب میزان رواناب حاصل از بارندگی مؤثر واحد، برابر مجموع رواناب‌های هر گام زمانی خواهد بود.

(.....) $(b + ba + ba^2 + ba^3 + \dots)$. حال با فرض بارش مؤثر u_k (محاسبه شده از مدول غیرخطی کاهش) در گام زمانی k ، میزان دبی حاصل از آن در گام‌های متوالی $k, k+1, k+2, \dots$ ، مطابق رابطه (۵) زیر است:

$$bu_k + bau_k + ba^2u_k + ba^3u_k + \dots \quad [5]$$

از طرف دیگر اگر فرض شود که بارش مؤثر u_{k-1} در گام زمانی $k+1$ رخ داده باشد، آن‌گاه رواناب حاصل از آن در گام‌های زمانی $k, k+1, k+2, \dots$ و بر اساس شکل (۳-ب) برابر خواهد بود با رابطه (۶).

$$bu_{k-1} + bau_{k-1} + ba^2u_{k-1} + ba^3u_{k-1} + \dots \quad [6]$$

با فرض بارش‌های مؤثر در گام‌های مختلف $(k-1, \dots, k-2, k-1, k, k+1, k+2, \dots, k+n)$ دبی حاصل از آنها در گام‌های مختلف مطابق روابط ۵ و ۶ می‌توان مقدار رواناب در گام زمانی k را مطابق رابطه زیر نوشت.

درحالی که حوضه کاملاً خیس باشد ($S_k = 1$)، تمامی بارش به بارندگی مؤثر تبدیل خواهد شد. از طرف دیگر، ضریب رطوبتی حوضه تابعی از تبخیر و تعرق در حوضه است که با استفاده از روابط (۲) تا (۴) بیان می‌گردد.

$$S = C * R + \left[1 - \frac{1}{t_w(t_k)} \right] S_{k-1} \quad [2]$$

$$S_k = 0 \quad [3]$$

$$t_w(t_k) = t_w \theta^{0.62f(R-t_k)} \quad [4]$$

در رابطه (۴)، $t_w(t_k)$ مقدار شاخص S_k را در رابطه (۳) هنگامی که بارش رخ نمی‌دهد، کنترل می‌کند که در آن R ، برابر دمای مرجع، t_w ، ثابت زمانی خشک شدن حوضه و f فاکتور تعدیل دما است. در رابطه (۲) پارامتر C به گونه‌ای تعیین می‌شود که حجم بارندگی مؤثر و رواناب مشاهداتی در دوره واسنجی یکسان گردد.

ب- مدول خطی هیدروگراف واحد

فرض کنید بارندگی مؤثر واحد در یک گام زمانی (شکل ۳-الف) در یک حوضه، به مقدار b واحد رواناب تولید کند. بدیهی است به دلیل افت‌های مختلف در تبدیل بارندگی به رواناب، مقدار رواناب حاصل در همان گام زمانی، کمتر از واحد خواهد بود ($b < 1$). با این فرض که بارندگی مؤثر و رواناب در تمام گام‌های

معیارهای ارزیابی

الف- نمایه ناش- ساتکلیف

نمایه ناش- ساتکلیف نشان می‌دهد که دبی‌های جریان تا چه حد توسط مدل درست شبیه‌سازی شده‌اند. این نمایه براساس رابطه (۱۴) به دست می‌آید.

$$NS = 1 - \frac{\sum_{i=1}^N (Qs_i - Qo_i)^2}{\sum_{i=1}^N (Qo_i - \bar{Qo})^2} \quad [14]$$

که در این رابطه، هر کدام از پارامترها عبارتند از :
 NS : شاخص کارایی ناش- ساتکلیف که برای ارزیابی توانایی شبیه‌سازی جریان آبراهه به کار می‌رود و مقدار NS از -۱ تا +۱ متغیر است و زمانی که میزان آن ۱ باشد، نمایانگر انطباق کامل بین هیدروگراف مشاهداتی و شبیه‌سازی شده است

ب. میانگین خطای کل

$$Bias = \frac{\sum (Qo_i - Qs_i)}{n} \quad [15]$$

نتایج

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، ایستگاه خلیان به‌عنوان ایستگاه سینوپتیک و همچنین ایستگاه خرجگیل به‌عنوان ایستگاه هیدرومتری براساس پایه مشترک آماری انتخاب شدند و قبل از هر اقدامی بازسازی داده‌های آماری و آزمون نرمال بودن داده‌ها در محیط SPSS صورت گرفت که نتایج حاکی از نرمال بودن داده‌ها بود. سپس مدل IHACRES برای حوزه آبخیز ناورود در مقیاس روزانه در طی سال‌های آبی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ مورد واسنجی و سال‌های آبی ۱۳۹۰-۱۳۸۸ به‌عنوان دوره آزمون، نتایج زیر را در پی داشتند که نتایج واسنجی و آزمون مدل در جدول (۱) و همچنین نتایج واسنجی به تفکیک سال در جدول (۲) نشان داده شده است. مقایسه بین جریان اندازه‌گیری و شبیه‌سازی روزانه در خروجی حوزه ناورود، برای دوره واسنجی و آزمون در

$$x_k = bu_{k-1} + bau_{k-2} + ba^2u_{k-3} + \dots \quad [7]$$

همچنین مقدار رواناب در گام زمانی k-1 برابر خواهد بود با :

$$x_{k-1} = bu_{k-1} + bau_{k-2} + ba^2u_{k-3} + \dots \quad [8]$$

با مقایسه رابطه‌های ۷ و ۸ می‌توان نوشت :

$$x_k = bu_k + ax_{k-1} \quad [9]$$

با توجه به این رابطه می‌توان دبی هر گام را تابعی از بازندگی مؤثر در همان گام و دبی حاصل از گام‌های قبل دانست. با توجه به آن‌که در یک حوضه، مقدار u_k از رابطه (۱) قابل محاسبه می‌باشد، بنابراین به‌منظور به‌دست آوردن رواناب حاصل از آن، کافی است که مقادیر پارامترهای a و b در رابطه (۹) مشخص گردد. با توجه به این‌که $(0 < a < 1)$ است، مساحت زیر نمودار شکل (۳)، مطابق رابطه (۱۰) قابل محاسبه است.

$$b + ba + ba^2 + ba^3 + \dots \quad [10]$$

از طرف دیگر با توجه به مفهوم هیدروگراف واحد، رابطه (۱۰) برابر واحد است. بنابراین :

$$\frac{b}{1-b} = 1 \quad [11]$$

از طرف دیگر می‌توان هیدروگراف واحد اصلی را به‌صورت تلفیقی از تعداد مختلفی از هیدروگراف‌های واحد به‌صورت موازی یا سری و یا به‌صورت منفرد در نظر گرفت. به‌عنوان مثال با تقسیم هیدروگراف واحد کل به دو قسمت موازی هیدروگراف سریع q و هیدروگراف کند s ، رابطه (۱۱) مطابق رابطه (۱۲) تعریف می‌گردد.

$$\frac{b^q}{1-a^q} + \frac{b^s}{1-a^s} = 1 \quad [12]$$

بر این اساس، رابطه (۹) مطابق رابطه (۱۰) تبدیل خواهد شد:

$$x_k = a^q x_{k-1} + b^q u_{k-1} + a^s x_{k-1} + b^s u_{k-1} \quad [13]$$

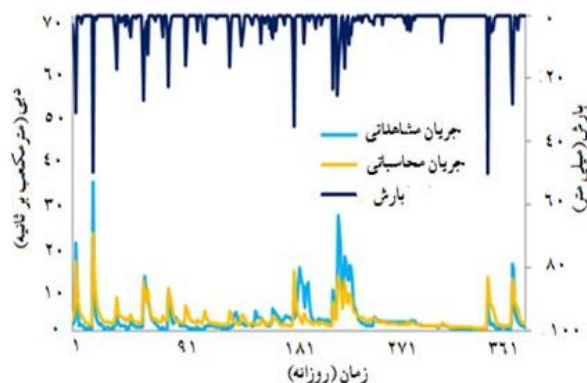
به‌طور کلی در روش ارائه شده توسط جیکمن و هورنبرگر (۱۱) مدل دو مقدار برای ضرایب t_w و f در نظر می‌گیرد و پارامترهای مدول خطی و پارامتر C در مدول غیرخطی را به‌صورت خودکار محاسبه می‌کند.

جدول ۱. نتایج دوره‌های واسنجی و آزمون با مدل IHACRES

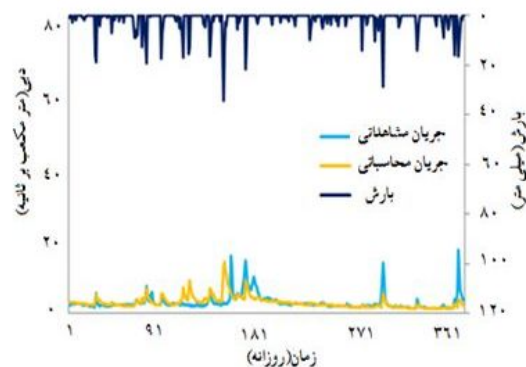
Bias(mm/yr)	NSE	شاخص	دوره
۸/۵۳	۰/۵۷		واسنجی
۱۴/۹	۰/۴۸		ارزیابی

جدول ۲. نتایج دوره واسنجی به تفکیک سال با مدل IHACRES

Bias(mm/yr)	NSE	شاخص	سال
۱۴/۷	۰/۴۲		۸۵-۸۶
-۱۶/۰۴	۰/۶۴		۸۶-۸۷
۶/۳۱	۰/۳۹		۸۷-۸۸



شکل ۵. دبی روزانه مشاهده‌ای و شبیه‌سازی شده مدل IHACRES برای سال آبی ۱۳۸۹-۱۳۹۰



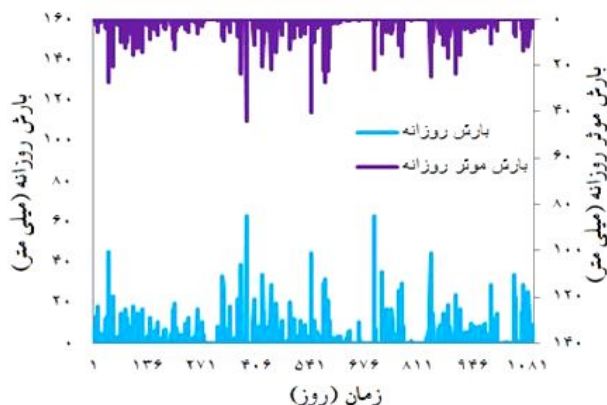
شکل ۴. دبی روزانه مشاهده‌ای و شبیه‌سازی شده مدل IHACRES برای سال آبی ۱۳۸۷-۱۳۸۸

شکل (۴ و ۵) ارائه شده است.

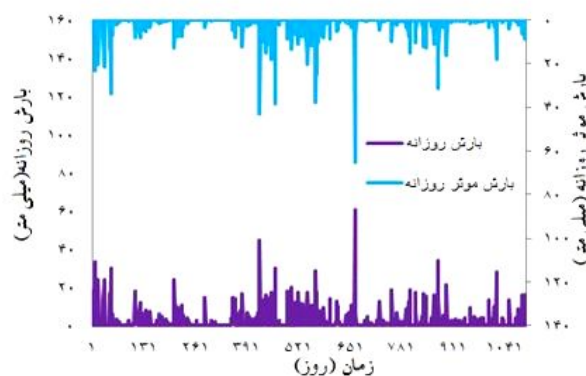
در این بخش بارش مؤثر محاسبه شده در دوره‌های واسنجی و آزمون توسط مدل IHACRES، در شکل‌های (۶ و ۷) آورده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق مدل هیدرولوژیکی IHACRES به منظور ارزیابی کارایی این مدل در حوضه مرطوب و جنگلی ناورود مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که این مدل بیشتر برای مناطق خشک و نیمه‌خشک پیشنهاد شده، لذا برآورد میزان جریان



شکل ۷. بارش موثر محاسبه شده مدل IHACRES در دوره آزمون



شکل ۸. بارش موثر محاسبه شده مدل IHACRES در دوره واسنجی

جریان پایه در ایجاد جریان رودخانه است. مقادیر زیاد این پارامتر، نشان‌دهنده وجود جریان پایه بسیار قوی در ایجاد جریان رودخانه است، این امر ناشی از پوشش جنگلی وسیع و شرایط اقلیمی حوزه آبخیز ناورود است، این بخش از نتایج با نتایج لیتلوود و همکاران (۱۳) مطابقت دارد، ایشان نیز به مقادیر تقریباً مشابه‌ای در حوضه‌ای با کاربری‌های متفاوت زراعت، مرتع و جنگل با غالبیت زراعت و مرتع، برای این پارامتر دست یافتند. پارامتر $1/c$ (ظرفیت نگهداری رطوبت حوزه آبخیز) نشان‌دهنده سرعت واکنش حوزه آبخیز به بارش است. به طوری که هرچه این مقدار بیشتر باشد، حوضه واکنش آهسته‌تری نسبت به بارش نشان می‌دهد. براساس نتایج به دست آمده، پارامتر مذکور در مقایسه با مقدار به دست آمده توسط لیتلوود و همکاران (۱۳) در حوضه‌ای با کاربری غالب زراعت و مرتع (۱۸۷ میلی‌متر در مقیاس روزانه) بیشتر بوده است، به این معنا که حوضه به بارش با سرعت کمتری واکنش نشان می‌دهد که این میزان، ناشی از جنگلی بودن حوضه بوده که باعث نگهداشت بارش شده و بنابراین بارش با کمی تأخیر به جریان رودخانه اضافه می‌شود. پارامتر t^q (ثابت زمانی کاهش پاسخ جریان سریع) نشان‌دهنده مدت زمانی است که طول می‌کشد جریان سریع کاهش یابد، هرچه مقدار این پارامتر بیشتر باشد حوضه دیرتر به جریان پاسخ داده و دیرتر جریان سریع کاهش می‌یابد،

مدل ونظر به این که تعادل در انتخاب سال‌های آماری از جهت خشکسالی و ترسالی به وجود بیاید بدین معنا که از شش سال آمار موجود چهار سال آماری میزان بارش بالای 800 میلی‌متر مربع و دو سال آماری بارش کمتر از 550 میلی‌متر مربع داشت (شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان، ۱۳۹۱). لذا دو سال از آمار با بارش بالاتر به همراه یک سال از آمار با بارش کمتر که سال‌های آبی $87-85$ را شامل می‌شد با توجه به پاسخ نسبتاً مناسب مدل نسبت به دوره‌های دیگر واسنجی، که جمعاً سه سال واسنجی را تشکیل می‌داد به عنوان دوره اصلی در نظر گرفته شد. همچنین نکته قابل تأمل در انتخاب ایستگاه سینوپتیک، از بین ایستگاه‌های موجود در حوضه معرف ناورود که شامل ایستگاه‌های خلیان (مرکز ثقل حوضه)، ناو (جنوب غربی حوضه)، گاوخس (شمال شرقی حوضه) و ایستگاه هیدرومتری و سینوپتیک خرگیل (خروجی حوضه) را شامل می‌شد، تنها با استفاده از آمار و اطلاعات ایستگاه سینوپتیک خلیان بود که تأخیر در تبدیل بارش به رواناب صفر شد و نتایج به دست آمده از کاربرد اطلاعات این ایستگاه در هر دو دوره واسنجی و آزمون در مقایسه با نتایج حاصل از کاربرد آمار ایستگاه‌های دیگر همچون ناو، گاوخس و خرگیل نتایج بهتر و مطمئن‌تری را در پی داشت. در بررسی پارامترهای اصلی مدل، $9^{(S)}$ نشان‌دهنده مشارکت

آزمون، به ترتیب برابر ۰/۵۷ و ۰/۴۸ محاسبه گردید. طبق نتایج موتوویلو و همکاران (۱۵) هرگاه مقادیر فاکتور NSE بین ۰/۳۶ تا ۰/۷۵ باشد، نتایج مدل خوب است و در صورتی که مقادیر فاکتور مذکور بیش از ۰/۷۵ باشد، نتایج مدل عالی محسوب می شود. این نتایج با نتایج پژوهشگرانی همچون کارلا کارکانو و همکاران (۹)، ابوشندی و مرکل (۶)، خیرفام و همکاران (۱) و گودرزی و همکاران (۴) مبنی بر کارایی مدل در شبیه سازی جریان مطابقت دارد.

همچنین این نتایج با نتایج پژوهشگرانی چون یعقوبی و مساح بوانی (۵) که مدل را در منطقه نیمه خشک مورد آزمایش قرار دادند نزدیک است بر این مبنای می توان بیان داشت مدل در مناطق مرطوب با شرایط حوضه جنگلی ناورود کارایی قابل قبولی را داراست.

این پارامتر برای حوضه مورد مطالعه برابر ۲/۲۳ در دوره آزمون برآورد گردید از آنجا که پارامتر t^* (ثابت زمانی کاهش پاسخ جریان آهسته) برابر ۷۹/۴۶ می باشد بنابراین می توان نتیجه گرفت حوضه در زمان کوتاه تری به جریان سریع پاسخ می دهد و مدت زمان بیشتری نیاز است تا جریان آهسته حوضه تقلیل یابد. مقایسه آماری آب نمودهای محاسبه ای و مشاهده ای برای دوره آزمون نشان داد که مدل، حجم جریان را با اختلاف جزئی نسبت به جریان مشاهده ای پیش بینی می کند که این نتیجه گیری، حاکی از دقت مناسب مدل در برآورد حجم جریان است.

مقادیر مثبت و منفی میانگین خطای کل به ترتیب بیانگر کمتر و بیشتر بودن متوسط دبی محاسباتی نسبت به دبی مشاهداتی است که این معیار در دوره آزمون برابر ۱۴/۹ میلی متر در سال برآورد گردید که بیانگر اختلاف نسبتاً کم بین مقادیر مشاهداتی و محاسباتی جریان روزانه حوضه ناورود است. همچنین نمایه ناش - ساتکلیف در دوره های واسنجی و

منابع مورد استفاده

۱. خیرفام، ح. ر. مصطفی زاده و س. ح. ر. صادقی. ۱۳۹۰. تخمین دبی روزانه با استفاده از مدل IHACRES در برخی از حوزه های آبخیز استان گلستان، پژوهشنامه مدیریت حوزه آبخیز ۴ (۷): ۱۱۴-۱۲۶.
۲. سادات آشفته، پ. و ع. ر. مساح بوانی. ۱۳۸۷. تأثیر تغییر اقلیم بر دبی های حداکثر (مطالعه موردی حوضه آیدوغموش - آذربایجان شرقی)، مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، علوم آب و خاک (۵۳): ۳۹-۲۵.
۳. صادقی، ح. ر. ح. ر. مرادی، م. مزین و م. وفاخواه. ۱۳۸۴. کارایی روش های مختلف تجزیه و تحلیل آماری در مدل سازی بارش - رواناب، مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان (۳): ۹۰-۸۱.
۴. گودرزی، م. ر. ذهبیون، ب. مساح بوانی و ع. ر. کمال. ۱۳۹۱. مقایسه عملکرد سه مدل هیدرولوژی SWAT، IHACRES، SIMHYD در شبیه سازی رواناب حوضه قره سو، مجله مدیریت آب و آبیاری ۲ (۱): ۴۰-۲۵.
۵. یعقوبی، م. و ع. ر. مساح بوانی. ۱۳۹۲. تحلیل حساسیت و مقایسه عملکرد سه مدل مفهومی HBV، IHACRES، HEC-HMS در شبیه سازی بارش - رواناب پیوسته در حوضه های نیمه خشک (بررسی موردی حوضه اعظم هرات - یزد)، مجله فیزیک زمین و فضا ۴۰ (۲): ۱۷۲-۱۵۲.
6. Abushandi, E., B. Merkel. 2011. Rainfall Estimation over the Wadi Dhuliel arid Catchment, Hydrology. Earth System. Sci. Discuss. 8: 1665-1704.
7. Beven, K. J. 2000. Rainfall-Runoff Modeling. John Willey and Sons Ltd, England, 200 pp.
8. Booij, M. J. 2002. Appropriate modeling of climate change impacts of river flooding, Ph.D. Thesis, University Twente, Netherlands, 179 pp.
9. Carlacarcano, E. P. Bartolini., M. Muselli and L. Piroddi. 2008. Jordan recurrent Neural Network versus IHACRES in Modelling Daily Streamflows, J. of Hydrology 362: 291- 307.

10. Dye, P. J. and B. F. W. Crock. 2003. Evaluation of Streamflow Predictions by the IHACRES Rainfall-Runoff Model in two South African Catchments, *Environmental Modelling & Software* 18: 705-712.
11. Jakeman, A., J. and G. M. Hornberger. 1993. How much Complexity is Warranted in a Rainfall-Runoff Model?. *Water Resour Research*. 29(8): 2637-2649.
12. Littlewood, I. G. K., J. R. Parker and D. A. Post. 1997. IHACRES Catchment-Scale Rainfall-Streamflow Modelling (PC version), Center for Ecology and Hydrology, The Australian National University, 95 p.
13. Littlewood, L. G., R. T. Clarke, W. Collischonn and B. F. W. Crock. 2007. Predicting Daily Streamflow Using Rainfall Forecasts, A Simple Loss Module and Unit Hydrographs: Two Brazilian Catchments, *Environmental Modelling and Software* 22: 1229-1239.
14. McIntyre, N. and A. Al-Qurashi. 2009. Performance of Ten Rainfall-Runoff Models Applied to an Arid Catchment in Oman. *Environmental Modelling and Software* 24: 726-738.
15. Motovilov, Y., G., L. Gottschalk., K. Engeland and A. Rohde. 1999. Validation of a distributed hydrological model against spatial observations. *Agric. and Forest Meteorology* 98-99: 257-277.
16. Sefton, C. E. M. and S. M. Howarth. 1998. Relationships between Dynamic Response Characteristics and Physical Descriptors of Catchments in England and Wales., *J. of Hydrology* 211:1-16.
17. Ye, W. B., C. Bates, N. R. Viney, M. Sivapalan and A. J. Jakeman. 1997. Performance of Conceptual Rainfall-Runoff Models in Low-Yielding Ephemeral Catchments, *Water Resour. Research* 33: 153-166.